



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

## مدرسه ساد بری والی « مدرسه ای برای یک جامعه فرا صنعتی »

### نوشته : دن گرینبرگ

سیصد سال قبل وقتی کسی می گفت امکان دارد کشوری ایجاد شود که در آن هر کدام از مردم از همه پیشه ها از هر نوعی از هر ملیتی و از هر زمینه ای می توانند زندگی ای توأم با آزادی ، صلح و صفا و توازن داشته باشند و زندگی می تواند شاد باشد ، رویاهی فردی می توانند به واقعیت بپیوندند ، مردم با هم رابطه متقابل داشته باشند و در برابری کامل به سر برند و در همه تصمیمات و آراء دادگاهی رضایت متقابل و دو طرفه بر قرار باشد ، مردم چنین شخصی را دیوانه می پنداشتند و همه تجربه های تاریخ انسان را از سپیده دم تاریخ می آوردند تا گواهی عدم امکان پذیری این رویا باشد . آنها خواهند گفت « مردم به این سبک زندگی نمی کنند این کاری است نشد ! ، این اتفاق نمی افتد » .

خوشبختانه برای ما که اینجا نشستیم دو قرن گذشته است تا پی بردیم پدرانمان آن را به عنوان یک آرمان در نظر نداشته اند و در عوض راهی را پیدا کردیم تا آن را به عنوان یک تمرین و تکرار در نظر داشته باشیم . آنها چیز بی همتایی در طول تاریخ انسانی هستند. آنها باید قبل از اینکه یک حکومت جدید ایجاد کنند ، یک کشور جدید ایجاد کنند و باید با اصلاح کردن شکل‌های جدید حکومت دست به این کار بزنند ، نه با شروع کردن به از مدلهایی که در اطراف خودشان وجود دارد و سرهم بندی کردن آنها و یک ذره از اینجا اضافه کردن و یک ذره از آنجا ، بلکه با دور هم جمع شدن و صرف کردن وقت و از صفر شروع کردن . ایجاد یک حکومت از ابتدا نه شروع مردن از فرضیاتی که در یک لحظه ساخته می شوند. ما اسنادی از مشورت‌های آنها و دست‌نوشته های بسیاری از که تفکرات آنها را آشکار می کند و نشان می دهد که آنها چگونه نتیجه گیری می کردند در دست داریم. آنها با آزمایش

وضعیتها و شرایط بشریت ، خوی حیوانی انسان و شرایط اجتماعی و فرهنگی جهانی که کشورها درون آن قرار دارند پی بردند که در آینده این هدف شکل خواهد گرفت.

بنیانگذاران مدرسه ساد بری والی در سال 1965 بسیاری از همان چیزها را وقتی به آموزشگاه آمدند اجرا کردند. ما بسیار ناراضی بودیم - ناراضیتی از مدل‌های مدارس که در آن زمان در دسترس ما بودند و ما باید به این معتقد باشیم که یک برنامه آموزشی مناسب یا روش شناسی علمی درست یا مخلوطی از عوامل اجتماعی - هیجانی و روانی که باید برای چشم انداز آموزش و پرورش اثبات شده باشند باید وجود داشته باشد. اگر این مدرسه یک نماینده خاص جامعه در این کشور بوده در قرن بیستم و بعد از سال 2000 ما ملزم بودیم که زمانی را برای تکمیل آزمایش دوباره آنچه که یک مدرسه باید باشد انجام دهیم . همچنان ما چندین سال وقت صرف آن کردیم . سعی کردیم یک توافق نظر از آنچه مدرسه است و کیفیت اهداف مدارس که می توانند واقعی تر باشند بدست آوریم.

حالا دو نقش اصلی وجود دارد که مدرسه آن را پر می کند . یکی فراهم کردن محیطی است که کودکان می توانند در آن برای بلوغ رشد کنند از یک پایه تشکیل شونده و وابسته به یک پایه مستقل به عنوان بزرگسالی که شیوه خاصی از تجربه شخصی را پیدا کرده است. هدف دوم بیشتر اجتماعی است تا فردی . مدرسه باید محیطی باشد که در آن فرهنگ خودش را برای انتقال از نسلی به نسل دیگر آماده می سازد . این هدفی است که یک اجتماع از سیستم آموزشی و پرورشی اش ، اگر بخواهد به این شیوه باقی بماند ، انتظار دارد .

هیچ تضمینی وجود ندارد که هدف اجتماعی و هدف فردی با هم جور باشند . در یک جامعه استبدادی برای مثال ، جایی که زندگی هر فرد به وسیله بعضی قدرتهای مرکزی کنترل می شود، هدف اجتماعی که سیستم آموزش و پرورش

ترویج می دهد آشکارا مغایر با برتری اهداف فردی مردم در اجتماع است. یکی از کارکردهای مدرسه در یک جامعه استبدادی باید مطیع کردن افراد در برابر محدودیتهای شدیدی باشد که فرد نیازهای اجتماعی اش را به عنوان یک کل در نظر بگیرد. سیستمهای آموزشی و پرورشی رژیمهای استبدادی عالی، دگرگونی فردی پائین و آزادی فردی و تلاش مؤثر برای حذف خودشان را دارند.

از طرف دیگر، در سیستم های آموزشی و پرورشی هرج و مرج طلب (آنارشپیست) فرد کانون توجه است و تقریباً بیرون از اجتماع است. فرد مقدم بر هر چیز دیگر و هر شیوه تعامل اجتماعی است و به بقاء فرهنگی توجه کمتری می شود.

وقتی ما شروع به تفکر درباره مدرسه ساد بری والی کردیم، هیچ راهی نداشتیم که بفهمیم آیا راهی وجود دارد که با آن نیازهای فردی و اجتماعی در ایالات متحده امروز هماهنگ شوند؟ شروع به بررسی عوامل اجتماعی کردیم تا برایمان روشن شد که هیچ مدرسه ای باقی نمی ماند اگر نیازهای جامعه آمریکایی مدرن را بر آورده نکند. البته ممکن است برای عده کمی از مردم ناخشنود باقی بماند که شاید بخواهند در این کشور به شیوه متفاوتی زندگی کنند. اما به عنوان یک نهاد که برای مسیر اصلی جامعه آمریکایی مهم و پر معنی باشد امیدی به باقی ماندنش نیست مگر اینکه بتواند خود را درون نیازهای عمیق فرهنگ آمریکایی در این دوران هماهنگ کند. از این رو ما پرسشمان مطرح می کنیم: «جامعه امروزی واقعاً چه چیزی برای پیشرفت کردن می خواهد؟».

راه حل پاسخ به این پرسش درک این بوده که ایالات متحده اساساً یک اقتصاد بازار آزاد است که در آن آزادی شخصی در سطح اجتماع گسترش یافته و بزرگ

شده است. جامعه ما جامعه ای است که در آن آزادی های شخصی برای اعضای فردی اش ستوده شده و راه های اجتماعی ای وجود دارد که این آزادی های را از طریق اهداء حقوق و جبران خسارتهای فردی برای افراد ضمانت می کند. به علاوه ایالات متحده در سال 1965 آشکارا وارد یک دوره اقتصادی شده است که در آن یک نوآوری و یک تازگی در صحنه جهانی بوده است- یعنی، عصر اقتصاد فرا صنعتی، که شروع آن به عنوان یک واقعیت تصدیق شده است. البته امروزه تصویر یک جامعه فرا صنعتی خیلی پیش پا افتاده است. مفهوم کلیدی که یک اقتصاد فرا صنعتی را از یک اقتصاد صنعتی تمیز می دهد درک این است که در جامعه فرا صنعتی در اصل هر کاری می تواند توسط یک دستگاه عادی از دست انسان در آورده شده و در دستهای بعضی انواع ماشینهای پردازش اطلاعات گذاشته شود. اختلاف اصلی بین یک جامعه صنعتی و یک جامعه فرا صنعتی در بودن یا نبودن کالاهای تولیدی نیست، بلکه در وسایلی است که با آن این کالاها تولید می شوند. در یک جامعه صنعتی ضرورت دارد که یک ارتش مجازی از موجودات انسانی داشته باشیم که به طریقی تجهیز شوند که در درون مکانیسم کل ماشین صنعتی وجود داشته باشند، کسانی که نقش یکپارچه ای در فرایند تولید به عنوان بخشهایی از این ماشین بازی می کنند.

استحکام جامعه صنعتی با کاربرد ماشینها بوده است. این می تواند هزاران توانایی اجتماعی را برای تولید مزایای مهم برای اعضایش تقویت کند. اما ماشینها نمی توانند به تنهایی این کار را انجام دهند. ماشینها به اندازه کافی برای انجام این فرایندها ماهر نیستند. برای تحقق این هدف لازم بوده انسان دخالت کند و کمک کند. انسانو ماشین یکی پنداشته می شوند چیزهایی که احتمالاً هرگز بهتر از فیلم بزرگ «Modern Times» که چارلی چاپلین بیش از 50 سال قبل آن را تولید کرد نیستند.

داد و ستدی که توسط جوامع گوناگون ایجاد شده بود یکی پس از دیگری وقتی برای ورود به عصر صنعتی انتخاب شدند ، با فقدان بشریت روبه رو بودند. برای مفید بودن به عنوان یک جامعه ثروتمند و کامیاب که عصر صنعتی آن را وعده داده است. این یک معامله مضحک است . این کاملاً قابل فهم است که جوامع انسانی در طول هزاران سال به ناچار فقر و محرومیت و بدبختی شدید اکثریت مردم، پذیرفته شده اند. شگفت انگیز نیست که چنین جوامعی وقتی با آن وعده معجزه آسا و با سرعت باورنکردنی مواجه می شوند می توانند معیارهای زندگی تمام جمعیتشان را بالا ببرند و در یک وضعیت نسبتاً راحت باقی بمانند، یکی پس از دیگری بعضی چیزها و بعضی آزادیهای شخصیشان را قربانی می کنند. بسیاری از چیزهایی که برای دست یافتن به این هدف فریبنده بودند.

عصر فرا صنعتی از ماهیت متفاوتی شکل گرفته است. عصر فرا صنعتی هیچ قربانی از عوامل مادی قربانی نمی گیرد که در عصر صنعتی می گرفته است. در مقابل پیشرفت تصنعی ، ماشینهای کامپیوتری و سیستمهای پردازش اطلاعات نسبت بیشتری از ثروت و منابع ملی را وعده می دهد. اما خواسته های فردی حالا کاملاً تفاوت کرده اند . در جامعه فرا صنعتی در واقع هیچ جایی برای موجودات انسانی که نمی توانند کار مستقلانه داشته باشند وجود ندارد . هیچ جایی برای مردمی که ذره ای از این دریا را تشکیل می دهند یافت نمی شود . چنین مردمی به طور دائم در حال جابجائی در سیستم اقتصادی هستند . نیازهای جوامع فرا صنعتی صرف نظر از ساختار حکومتی برای مردمی که می توانند مستقل باشند مولدهای مشکل گشای مزایای اقتصادی است . مردم جرأت ابتکار ، فکر کردن برای خودشان و مولد بودن برای خودشان را دارند . در یک جامعه فرا صنعتی انبوهی از شکافهای از قبل تعیین شده وجود داشته اند که با آن مردم تجهیز می شوند . تقاضاهای اقتصادی آمریکای فراصنعتی چیزهایی است که شما از مدیران در هر

صنعت و شرکت امروزی می شنوید ، خواه کوچک باشد یا بزرگ . تقاضاهایی که برای مردم خلاق و مبتکر مردمی که می دانند چگونه مسئولیتی را به عهده بگیرند ، قوه قضاوتشان را به کار اندازند و برای خودشان تصمیماتی بگیرند ، هستند .

این برای ما که یک مدرسه در آمریکای فراصنعتی هستیم متوسط است در حالی که با در نظر گرفتن فرهنگ خصوصیات زیر ظاهر می شود :

تنوع زیادی ایجاد می شود . به مردم اجازه می دهد که مالک خودشان ، ابتکاراتشان ، سلیق و مدیریتشان باشند . و در همان زمان اجازه می دهد کودکان در خانه با ارزشهای فرهنگی کشورمان رشد کنند به ویژه ارزشهای ضروری ای مثل صبر ، رابطه متقابل و حکومت مردمی .

پس از آن ما به شرایط لازم برای درک فردی نگاه می کنیم . اینها همچنین متحمل تغییرات قابل توجه دیدگاهی از طریق کار روانشناسان و نظریه پردازان رشدی شده است. در واقع نمونه ذکر شده انسانی است که باید یک لوح سپید و بدون هیچ اشتباهی باشد که کودکانی متولد می کند که در سرشان هیچ چیزی ندارند و بنابر این آنگونه رشد می کنند که مردم دیگر در لوحشان می نویسند. این نمونه ای است که مسئولیت خطیری را بر عهده آن کسانی می گذارد که مسئولیت نوشتن این لوح کودکانه را دارند . از یک جهت این مدل درجه کاملاً منفی یک فرد به عنوان یک وجود مستقل را نشان می دهد و از طرف دیگر اطاعت فرد از اطرافیانی را که خواسته ها و ادراکاتشان را به واسطه کودکی آنها به ایشان تحمیل می کنند .

اما ارسطو 2000 سال پیش و روان شناسان رشدی در زمان های اخیر مدل‌های دیگری را که به نظر می رسد متعلق به ما باشد نشان داده بودند . وقتی ما مدرسه سادبری والی را تأسیس کردیم واقع گرایانه تر به نظر می رسید و بیشتر با آنچه ما در طبیعت گونه های انسانی مشاهده می کنیم در یک خط قرار داشت . این مردم

کودکان را از تولد به عنوان موجودی طبیعتاً کنجکاو ملاحظه می کنند ، به عنوان همراهانی فعال در یادگیری فرایندهایی که در زمان تولد در ذهن سفید آنها نبوده است. اما در مقابل کسانی که با سیستمهای پردازش اطلاعات در مغزشان متولد می شوند طبعاً برای لمس کردن ، کشف کردن و جستجو برای درک جهان و ساختن حواس آن ، کاربرد تعامل احساسی و هوش زیرکانه شان برای ایجاد تصاویر واقعی - جهان بینی - در ذهنهایشان که آنها را به کاربرد آنها در جهان توانا می سازد نیاز دارند ، از نقطه نظر ما یک چنین چیزی به عنوان یک کودک انفعالی وجود نداشته است. هر کودکی فعال است . هر کودکی که ما دیده ایم در اوایل دوران طفولیت حس کنجکاوی حریصانه ای داشته است. بسیار پر تکاپو بوده ، تقریباً بر هر مانعی می تواند غلبه کند ، با جرأت و مسر بوده و دائماً در پی مبارزه طلبی برای هر مانعی بوده که بر سر راهش ظاهر می شده است . و اینها ویژه گیهایی است که ما دائماً و سال به سال در کودکان دیده ایم تا زمانی که از دنیای خارج به آنها فشار وارد نشده است.

از این رو برای ما آشکار است که محیط ایده آل برای کودکان برای دست یافتن به درک کامل از استعدادهای ذهنی ذاتی ، احساساتی و معنوی که باید یک شخص آنها را داشته باشد تنها موضوع برای تحمیل فشار و اجبار برای امنیت است سراسر باز است برای اکتشاف ، آزادی از محدودیتها ، رهایی از فشارهای بیرونی ، فضایی که هر کودکی می خواهد در آن آزاد باشد تا به هر جا و هر کجا که می خواهد برسد به طوری که به این طریق بتواند همه کنجکاویشان را دنبال کند .

این درک برای ما جالب توجه است ، چون بین نیازهای اجتماعی امروز و نیازهای فردی تناسب عالی ای را مشاهده کردیم . هم اجتماع و هم فرد در آمریکای فرا صنعتی مدرن نیاز به مدارسی دارند که محیطی باشد برای کودکانی که آزادند و کودکانی که می توانند یاد بگیرند چگونه از آزادیشان استفاده کنند ، خود



گردان باشند ، با هم زندگی کنند به طوری که مردمی آزاد در صلح و صفا و هماهنگی و رابطه متقابل باشند . نه محیطی که یک گروه چیره می شوند یا بر دیگران اعمال قدرت می کنند و نه محیطی که کودکان را در هر مسیری که از خارج بیاید رها می کند ، یا اجبار به فکر کردن درباره موضوعات تعیین شده . بلکه محیطی که در آن کودکان و بزرگسالان مانند هم کار کنند برای تضمین آزادی در جهان ، برای توسعه بیشتر ، برای هر کودکی در حقیقت هر آنچه که مدرسه سادبری والی است.

اگر شما به سادبری والی بیائید اولین احساسی که دارید این است که این مدرسه منظم در تعطیل موقت است. شما کودکان را در بیرون از ساختمان و در داخل آن ملاحظه می کنید ، بدون محدودیت رفت و آمد در محوطه ، بدون محدودیت گردش در اطراف ، حرکت از اتاقی به اتاق دیگر ، تغییر از گروهی به گروه دیگر ، حرف زدن ، تعامل متقابل ، مطالعه و بازی . هر چقدر که می خواهند بازی می کنند ! بیشتر از هر چیز دیگر ، بچه ها در مدرسه سادبری والی از هر سنی که باشند بازی می کنند . فضیلت آنها در بازی کردن است. فضیلت آنها در شکل دادن به درک جدید از جهان است .بازی یزرگترین معلم همه است . هر کسی که نوشته ای درباره مراحل پیشرفت خلاق دارد درباره آن حرف می زند، به اندازه ای که هر کس با ایده های جدیدش سرگرم می شود . این ایده های جدید بدون محدودیت گفته می شوند . مفاهیم اصلی جهان بدون مختل شدن توسط عقاید قبلی در تصورات واقعی فعلی گنجانده می شوند . کودکان در سادبری والی می دانند که چگونه بازی کنند ، می دانند چگونه بازی را جدی بگیرند و چگونه با جدیت و تمرکز بازی کنند.

سادبری والی توسط خودش کنترل می شود. هر کودکی در سادبری والی یک حق رای در هر چیزی که وابسته به مدرسه باشد دارد . مدرسه به وسیله یک انجمن

در هر چهار سال یکبار با همان حق رای ها اداره می شود. هر رای در مدرسه توسط آن انجمن مدرسه ترتیب داده می شود. بودجه صرف مزد کارکنان و عقد قراردادهای می شود. در اجتماع سادبری والی هیچ بزرگسالی هیچ قدرت خاصی را برای اداره کردن هیچ کودکی به کار نمی برد و نه هیچ کودکی قدرت خاصی را برای هیچ کودک دیگری. همه رای ها در انجمن مدرسه یا نمایندگان انجمن مدرسه برای افراد منتخب به طور موقت ترتیب داده می شود تا نیاز خاصی را کفایت کند. اجتماع ما مدلی از یک حکومت دموکراتیک است، بیشتر شبیه اجتماع نیوانگلند که در آن خدمت می کنیم.

کودکان در سادبری والی از چهار سال به بالا هستند که با در نظر گرفتن آزادی یاد می گیرند چگونه مردمی آزاد در اجتماعی آزاد باشند. آنها یاد می گیرند چگونه حرفه خودشان را پیدا کنند. یاد می گیرند چگونه خودشان را مشغول کنند. یاد می گیرند چگونه محیطشان را ایجاد کنند. چگونه به یکدیگر احترام بگذارند، چگونه با هم همکاری داشته باشند، چگونه از انجمن مدرسه برای وضع قوانین اجتماع استفاده کنند و برای تغییر شکل سازشها، وقتی که لازم باشد، عمل خاصی را انجام دهند. یاد می گیرند چگونه با چالشها روبه رو شوند. چگونه بر شکستها غلبه کنند - وقتی هیچ کسی وجود نداشته باشد تا آنها را از شکست حفظ کند. چگونه برای چیزی تلاش کنند و طعم موفقیت را بچشند و چگونه برای چیزی تلاش کنند و در آن شکست بخورند و دوباره سعی کنند. همه اینها جایی را در یک محیط می گیرند که در فضای آموزشی، راهنمایی، دسته بندی، آزمایش، ارزشیابی، تفکیک سنی یا تحمیل مستبدانه قدرت خارجی وجود دارد.

حالا مدرسه 24 سال است که در حال فعالیت است . در آن کودکانی از تمام سنین هستند . ما حالا 125 دانش آموز داریم و یک پیشینه مالیاتی باور نکردنی به خوبی موفقیت‌های آموزش و پرورش . وقتی از ابتدا شروع کردیم مردم می گفتند اگر کودکان به طور واقعی در موضوعات مالی اظهار نظر کنند بی تجربگیشان باعث می شود منابع مدرسه را به هدر دهند . آنها شکلات می خردند ، پولشان را بی مورد هدر می دهند . حقایق را طور دیگری بیان می کنند . توانایی کودکان در حکومت کردن بر خودشان به هیچ وجه کمتر از بزرگسالان نیست . مدرسه ما هرگز یک درصد کمک هزینه دولتی ، هدیه ، پول مؤسسات خیریه یا هیچ وجه خارجی دیگری کمک نگرفته است . اینجا کلاً با شهریه اداره می شود . شهریه در سال 1968 با هزینه های مدارس عمومی اطراف مدرسه ما برابر بوده است - 900 دلار برای هر شاگرد . امروز 24 سال از آن زمان که هزینه آموزش و پرورش در مدارس دیگر بال رفته بود گذشته . وقتی همه ما این را شنیدیم که این پول برای استفاده در آموزش و پرورش کافی نیست هزینه مدرسه ساد بری والی برای هر شاگرد در حدود 3000 دلار شد که این رقم کمتر از نیمی از مدارس دیگری که در مجموعه های مختلف کتابها دیده می شد بود . کارایی شگرف عملکرد مالی ما کلاً ناشی از روشی است که نتیجه همکاری همه اجتماع مدرسه است و ناشی از هزینه های متوسطی است که هر دانش آموز نیاز دارد .

از نظر تعلیم و تربیت ، مدرسه ساد بری والی پیشینه قابل توجهی دارد . دانش آموزان با هوشند ، شمرده سخن می گویند ، به راحتی درباره مسائل با هم گفتگو می کنند ، بازی می کنند ، با کودکانی نشست و برخاست می کنند که 10 سال از خودشان بزرگتر یا 10 سال کوچکترند - حتی با بزرگسالان . آنها در حرفه های گوناگون محاسباتی ، عکاسی ، شیپورزنی ، اسکیت بازی ، سفالگری ، شعر ، دفتر داری ، آسیب شناسی ، جنگلداری ، کار با چرم و درودگری چیره دستند . با وجود

این حقیقت وقتی ما این را به مردم اعلام کردیم ، آنها می گفتند : دانش آموزانی که می خواهند به کالج بروند هرگز پذیرفته نمی شوند چون آنها رتبه بندی نشده اند ، سواد ندارند ، حتی توصیه نامه مدرسه ندارند . ما به میزان 100 درصد در کالج ، مدارس حرفه ای ، مدارس هنری و هر دانش آموز منفردی پذیرفته شده داریم که می خواهند به تحصیل ادامه دهند . دانش آموزان کنونی ما خودشان برای هیئت رئیسه کالج به عنوان افراد کاملی شناخته می شوند . کسانی که می دانند چرا می خواهند تحصیلاتشان را ادامه دهند . کسانی که می فهمند که هستند و کسانی که تعیین می کنند چگونه می خواهند با دیگران زندگی کنند . فارغ التحصیل مدرسه سادبری والی درجه خود دانشی ، اعتماد به نفس و آگاهی از قدرتهایش که با کودکان هم سن و سال خودش در مدارس امروزی برابری نمی کند دارد .

ما احساس می کنیم که سادبری والی مدل عالی محیط آموزش و پرورش برای آمریکای فرا صنعتی است . لذت ، خوشحالی ، خوش مشربی ، رفاقت و گرمی ای که در هر کس ایجاد می شود قسمتی از اجتماع مدرسه است به خوبی ملموس است . همچنین در هر جا و هر کجا به خوبی دیده می شود . اموال بی نگهبانند ، درها قفل نیستند ، تجهیزات در دسترس است . ما ظرفیت پذیرش زیادی داریم - هر کسی می تواند پذیرفته شود . افراد با جستجو در اطراف دوباره به همین جا می آیند . گرمی و اعتماد بخشی از این مدرسه است .

مدرسه سادبری والی یک جمهوری دموکراتیک واقعی از کودکان و بزرگسالانی است که با هم کار می کنند . آیا این صدایی آرمانی است ؟ شاید باشد! ولی نه کمتر از صداهای آرمانی در ایلات متحده آمریکا - وقتی مردم در ابتدا این صدا را درباره آسایش و صلح در جهان می شنویدند . ما احساس می کنیم مدرسه ما بخ راستی آرمانی است واقعی تر از کشوری که قسمتی از آن است .

این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی